



## حالات چشم در قرآن

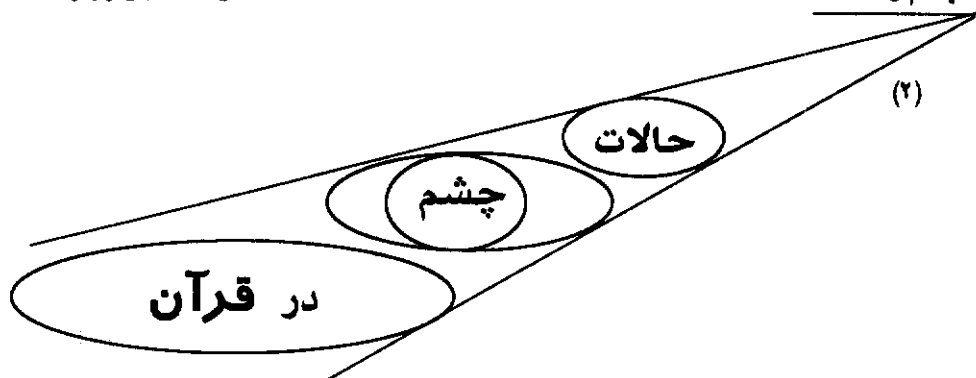
پدیدآورده (ها) : نساجی زواره، اسماعیل  
فلسفه و کلام :: درس‌هایی از مکتب اسلام :: تیر 1383 - شماره 520  
از 57 تا 65  
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/32388>

دانلود شده توسط : هایده دستمالچی  
تاریخ دانلود : 23/04/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



در مقاله گذشته، پیرامون نعمت چشم و وظیفه انسان در برابر آن مطالبی بیان شد. از نظر قرآن مجید بر اساس حالاتی که بر آن عارض می‌شود، چشم انواع مختلفی دارد و هر نوع از آن، ویژگی‌ها و خصایص منحصر به خود را دارد، که در این مقاله به بیان خصوصیات و ویژگی‌های هر کدام، اشاراتی گذرا خواهیم داشت.

گروه، نه قائل به مبدأ فاعلی هستند و نه مبدأ غایی<sup>(۱)</sup>. در فرهنگ این‌گونه افراد، عقل به منزله عینک چشم ظاهر است؛ یعنی عقل هرگز حقیقت جدیدی را ادراک نمی‌کند، بلکه تنها واسطه و وسیله‌ای است برای ادراک بهتر مادی، بدون آنکه حقیقتی افزون بر آنچه از طریق حس، تحصیل شده است، کشف

۱. شناخت‌شناسی در قرآن، آیت‌الله جوادی آملی، ص ۱۵۲.

۱. چشم حس  
دایره ادراک چشم فقط در محدوده محسوسات است و کسانی که می‌خواهند فقط با دیدن ظاهری به حقایق پی ببرند، مبنای سخنشان اصالت حس و امور مادی است و آنها از پذیرش آنچه محسوس نباشد، سر باز می‌زنند و هستی را همسان با ماده می‌پندارند و معتقدند، آنچه مادی نیست، موجود نبوده و پندار و خرافه‌ای بیش نیست. این

نماید<sup>(۱)</sup>.

اندازه هستی خویش به شهود مبدأ و معاد بار یافت، همان معرفت بلندی را که با علم یقین حاصل شده است، به دست می آورد و در همین دنیا قادر به دیدن نشانه های نهایی مانند بهشت و جهنم می شود و این همان شهودی است که پیامبران خدا و از جمله حضرت ابراهیم علیه السلام با آن به دیدار باطن هستی و ملکوت آسمانها و زمین نایل شدند<sup>(۴)</sup>:  
«وَكَذَلِكَ نُرِي اِبْرَاهِيْمَ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وَاْلَاَرْضِ وَلِيَكُوْنُ مِنَ الْمُوْقِنِيْنَ»<sup>(۵)</sup>:

«و این چنین، ملکوت آسمانها و زمین (و حکومت مطلقه خداوند بر آنها) را به ابراهیم نشان دادیم؛ (تا به آن استدلال کند) و اهل یقین گردد».

البته این راه منحصر به پیامبران نیست، بلکه خداوند، دیگران را هم به پیمودن آن تشویق کرده و به نظر کردن در ملکوت هستی فرامی خواند. حصول

آن کس که جهان را بر اساس چشم حس می شناسد و مطابق با معیارهای حسی ایمان می آورد، اگر ابزار شناخت و حس او عوض شود، دست از عقیده خود برمی دارد و همچون قوم بنی اسرائیل می شود؛ یعنی زمانی که عصا به صورت مار درآمد به حضرت موسی علیه السلام ایمان آوردند ولی چون گوساله سامری را مشاهده کردند، گوساله پرست شدند. آنچه آنان از مار شدن عصا و صدای گوساله دریافت می کردند، تنها یک امر حسی بود که با چشم ظاهر مشاهده می کردند<sup>(۲)</sup>.

۲. چشم یقین

یکی از باارزش ترین لذایذ معنوی، آن است که محبوب جامع کل کمالات، نظر لطف به انسان بیفکند و با او سخن بگوید و از آن فراتر اینکه انسان بتواند به مقام شهود ذات پاک پروردگار برسد؛ یعنی با چشم دل و یقین، او را ببیند و غرق دریای جمال او گردد<sup>(۳)</sup>.

شهود مبدأ هستی با چشم یقین و ملکوتی صورت می گیرد. اگر کسی فراسوی خود، این راه را گشود و به

۱. همان، ص ۱۵۹. ۲. همان، ص ۱۶۵.  
۳. تفسیر موضوعی پیام قرآن، آیت الله مکارم، ج ۶، ص ۲۹۶.  
۴. تفسیر موضوعی قرآن، صورت و سیرت انسان، آیت الله جوادی آملی، ج ۱۴، ص ۶۴.  
۵. انعام، آیه ۷۵.

المیزان این مطلب را رد می‌کند<sup>(۲)</sup>.  
قرآن در ماجرای جدایی حضرت  
یعقوب علیه السلام و فرزندش یوسف علیه السلام  
می‌فرماید: «...وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنْ  
الْحُزْنِ...»<sup>(۳)</sup>:

«از سوز هجران و داغ دل، چشمانش  
درانتظار یوسف، سفید شد.»

#### ۴. چشم روشن

وقتی دل انسان مالا مال از غم و اندوه  
است و ناگهان خبر مسرت بخشی به او  
داده می‌شود و دوران فراق و جدایی به  
پایان می‌رسد، دلش از غم و حزن خالی  
می‌شود و حالتی در چهره و چشمان او  
پدید می‌آید که چشمش شاد و روشن  
می‌گردد؛ همچون سرگذشت حضرت  
موسی علیه السلام که وقتی به دامان پرمهر و  
محبت مادر برمی‌گردد، دیده مادر به  
جمال ملکوتی او روشن می‌شود و حزن  
و اندوهش برطرف می‌گردد: «فَرَدَدْنَا  
إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ...»<sup>(۴)</sup>:  
«ما او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش روشن

معرفت حق با چشم یقین، انسان را به  
سرور و شادی دایم می‌رساند و چون  
زمام و عنان خویش را به دست دوست  
می‌بیند، نگران نیست؛ همچون حضرت  
زینب علیه السلام که در پاسخ ابن زیاد که گفت:  
«دیدنی خدا با برادرت در کربلا چه  
کرد؟» با دیده یقین و با کمال صلابت  
فرمود: «همه چیز را زیبا دیدم.»

حضرت زینب علیه السلام این سخن را در پی  
دیدن صحنه‌هایی بر زبان می‌راند که  
تاریخ، صحنه‌ای به تلخی و جانگدازی  
آنها نه دیده است و نه خواهد دید، اما او  
با شهود ملکوتی خود، پروردگار هستی  
را دیده و زمام عالم و آدم را در دست او  
می‌بیند و آثار جمیل محض را با جمال  
می‌نگرد و زیبایی شهادت را با چشم دل  
مشاهده می‌کند<sup>(۱)</sup>.

#### ۳. چشم سفید

چشم سفید، همان چشم ظاهر است  
که ابتدا بیناست و سپس بر اثر غم و  
اندوه و فراق و گریه و زاری، بینایی آن از  
بین می‌رود که در زبان عربی به آن «عین  
بیضاء» می‌گویند. بعضی‌ها معتقدند که  
این نوع چشم، مقدار کمی بینایی دارد  
ولی مرحوم علامه طباطبایی (ره) در

۱. مأخذ قبیل، ص ۷۱.

۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ج ۲ و ۱،  
ص ۲۵۲.

۳. یوسف، آیه ۸۴ ۴. قصص، آیه ۱۳.

شود و غمگین نباشد».

بودند که نه تنها از معاف شدن، خوشحال نشدند، بلکه همچون کسی که بهترین عزیزانش را از دست داده است، در غم این محرومیت، اشک می ریختند.

#### ۵. چشم اشک بار

شدت علاقه به امری گاه چنان ذوقی در انسان پدید می آورد که اگر از آن محروم شود، اشک افسوس و حسرت را سرازیر می کند. چنانکه در جنگ تبوک، هفت نفر از فقراى مسلمانان خدمت پیامبر ﷺ رسیدند و تقاضا کردند تا مرکب و اسلحه، برای شرکت در جهاد در اختیار آنان گذارده شود، اما چون پیامبر ﷺ وسیله ای در اختیار نداشت، جواب منفی به آنها داد. آنها با چشم های پر از اشک از محضر مبارک پیامبر ﷺ مرخص شدند و بعداً به نام «بُکَّائُونَ» مشهور گشتند<sup>(۱)</sup>. قرآن مجید درباره این عده که از شرکت در جهاد، محروم گشتند، می گوید:

«... وَأَعْيَنَهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ...»<sup>(۲)</sup>;

«از نزد تو خارج شدند درحالی که چشمانشان اشکبار بود و این اشک به خاطر اندوهی بود که از نداشتن وسیله برای انفاق در راه خدا، سرچشمه می گرفت».

این نشان می دهد که این گروه از یاران پیامبر ﷺ به قدری شیفته و عاشق جهاد

۶. چشم اعجاز آمیز  
گاهی اراده خداوند متعال بر آن تعلق می گیرد که چشم انسان، واقعیت را به شکل و صورت دیگری ببیند تا امیدواری در قلب انسان جایگزین یأس و ناامیدی شود. در جنگ بدر، مسلمانان در پرتو بیانات گرم پیامبر ﷺ و توجه به وعده های الهی و مشاهده حوادثی از قبیل باران به موقع، برای رفع نیازهای مسلمین و سفت شدن شن های روان زیر پای آنها در میدان نبرد، روحیه تازه ای پیدا کردند و به پیروزی نهایی، امیدوار و دلگرم شدند<sup>(۳)</sup> آنچنانکه به اراده خداوند، انبوه لشکر دشمن در برابر چشمان آنان کوچک شد و کم، جلوه کرد.

«در آن هنگام که در میدان نبرد با دشمن روبه رو شدید، خداوند آنها را به

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۸۰.

۲. توبه، آیه ۹۲.

۳. مأخذ قبیل، ج ۷، ص ۱۹۰.

خشوع، در حقیقت از حالات قلب است نه از خصوصیات چشم. و نسبت دادن آن به چشم، به خاطر آن است که اثر ترس و خشیت و دیگر صفات باطنی انسان بیش از هر عضو دیگر در چشمان انسان، ظاهر می شود. از این روست که انسان می تواند از راه چشم و از کیفیت نگاه افراد، باطن آنان را دریابد و از نیت و حالت آنان آگاهی پیدا کند.

#### ۸. چشم لذت بین

چشمی است که در بهشت، از نعمت های مادی نامحدود آن لذت می برد:

«... وَ فِيهَا مَا تُشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»<sup>(۴)</sup>:

«و در آن (بهشت) هر چه نفوس را بر آن میل و رغبت باشد و چشم ها را لذت، مهیا باشد و شما (مؤمنان) در آن جا جاویدان و منتقم خواهید بود.»

لذت نگاه در بهشت آن قدر اهمیت دارد که خداوند «لذت چشم» را بعد از «لذت نفوس» آورده؛ یعنی تمام لذت های

۱. انفال، آیه ۴۴.

۲. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۹۱.

۳. نازعات، آیه ۹. ۴. زخرف، ۷۱.

چشم شما، کم نشان داد و شما را نیز به چشم های آنان کم می نمود تا خداوند کاری که می بایست انجام بگیرد، صورت بخشد<sup>(۱)</sup>.

این موضوع، اثر عمیقی در پیروزی مسلمانان داشت؛ زیرا از یک سو چشمان مؤمنان با حالت اعجاز آمیز، تعداد نفرات دشمن را کم می دید تا از اقدام به جنگ، ترس به خود راه ندهند و از سوی دیگر دشمنان، نفرات مسلمانان را کم می دیدند تا از اقدام به جنگی که سرانجامش، شکست بود منصرف نشوند و به علاوه نیروی زیادتری در این راه، کسب نکنند و بر آمادگی جنگی خود به گمان اینکه ارتش اسلام کم است، نیفزایند<sup>(۲)</sup>.

#### ۷. چشم خاشع

چشمی است که در اثر نرمش دل و تسلیم در برابر حق و حقیقت، فروهسته و در مقابل عظمت خداوند و فزع قیامت، متواضع می شود.

قرآن مجید در مواردی، به ویژه در خصوص قیامت، خشوع را به چشم نسبت می دهد: «أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ»<sup>(۳)</sup>:

«از ترس، چشمانشان به زیر افکنده می شود.»

انسان، گواهی می‌دهد: «حتیٰ إذا ما جاءوها شهید علیهم سمعهم و أبصارهم و جلودهم بما كانوا یعملون»<sup>(۴)</sup>:

«چون در روز قیامت همگی در پیشگاه خداوند حاضر شوند، چشم و گوش و پوست بدن‌ها بر گناهی که مرتکب شده‌اند گواهی می‌دهند».

#### ۹. چشم زیبا

زیبایی انسان، قبل از هر چیز و بیش از هر چیز در چشمان اوست. چشم زیبا در صورتی ارزنده است که درون فرد، ایمان، وقار، پاکی، صداقت و... وجود داشته باشد. لذا قرآن مجید در مورد همسران بهشتی، روی زیبایی چشمان آنها تأکید کرده است<sup>(۲)</sup>. در چندین آیه از قرآن مجید از همسران بهشتی به «حورالعین» تعبیر شده است و در سوره دخان می‌فرماید: «كَذٰلِكَ وَرَوٰجِنَاهُمْ بِحُورٍ عٰیْنٍ»<sup>(۳)</sup>: «این چنین حوریان درشت چشم را همسران آنان قرار می‌دهیم».

#### ۱۰. چشم گواه

یکی از شاهدان عجیب در روز قیامت، «چشم» است که شهادتش به هیچ وجه، قابل انکار نیست؛ زیرا در تمام صحنه‌ها حاضر بوده و لذا به فرمان الهی در قیامت به سخن می‌آید و بر اعمال

#### ۱۱. چشم مسحور

وقتی انسان به بدترین مرحله عناد و لجاجت برسد بر اثر گناه و جهل، باطل را حق می‌بیند تا آنجا که محکم‌ترین دلایل عقلی و روشن‌ترین دلایل حسی در دل او اثر نمی‌گذارد<sup>(۵)</sup>. مثلاً در تاریخ، دربارهٔ ساحران زمان حضرت موسی علیه السلام می‌خوانیم که برای مسحور کردن چشمان بینندگان و اغفال مردم، ریسمان‌ها و عصاهایی را درست کرده بودند که بر اثر وسایل حرارتی یا مواد شیمیایی مخصوصی که درون آنها قرار داده بودند، به حرکت درمی‌آمدند و تماشاگران، خیال می‌کردند آنها زنده

۱. تفسیر موضوعی پیام قرآن، ج ۶، ص ۲۷۳.

۲. همان، ص ۲۶۱. ۳. دخان، آیه ۵۴.

۴. فصلت، آیه ۲۰.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۸.

مشاهده می‌کند که در نظرش بسیار شگفت‌آور باشد، حسدش تحریک شده و با همان نگاه، زهر خود را می‌ریزد (۵).

قرآن مجید از تلاش کافران برای چشم‌زدن نسبت به رسول اکرم ﷺ خبر می‌دهد (آیه «و ان یکاد»). همچنین حضرت یعقوب علیه السلام برای اینکه فرزندانش توجه مردم را به خود جلب نکنند و چشم‌زخمی به آنها نرسد، طبق نقل قرآن، دستور داد که هنگام ورود به مصر از یک دروازه وارد نشوند بلکه از دروازه‌های مختلف وارد شوند تا دشمن به آنها گزند نرساند: «... یا بُئِئَ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ...» (۶): «فرزندانم، از یک دروازه، وارد نشوید».

### ۱۳. چشم کور

افراد منافق و بی‌ایمان نه از خود

۱. همان، ج ۱، ص ۲۶۸.

۲. طه، آیه ۶۶.

۳. قرآن پژوهی، بهاء‌الدین خرمشاهی، ج ۲، ص ۱۱۹۴.

۴. نهج‌البلاغه، کلمات قصار، حکمت ۴۰۰، ترجمه محمد دشتی

۵. تفسیر مجمع‌البیان، طبرسی، ج ۱۰، ص ۵۶۹.

۶. یوسف، آیه ۶۷.

هستند (۱): «... فَإِذَا جَبَّالَهُمْ وَ عَصِيَّتَهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْمَعُ» (۲):

«ناگهان ریسمان‌ها و عصاهای آنها در اثر

سحر به نظر می‌رسید که حرکت می‌کنند».

مفسران، عبارت «يُخَيَّلُ إِلَيْهِ» را اثبات‌کننده «سحر تخیلی» می‌دانند که ساحر، پدیده‌ای را در نگاه و چشم مردم، غیرواقعی، جلوه می‌دهد و مردم خیال می‌کنند حقیقت است (۳).

### ۱۲. چشم شور

بسیاری از مردم معتقدند در بعضی از چشم‌ها اثر مخصوصی است که وقتی از روی اعجاب به چیزی بنگرد، ممکن است آن را از بین ببرد یا درهم بشکند و یا به نحوی به آن صدمه بزند و اگر انسان است او را بیمار یا دیوانه کند.

در روایات اسلامی، تعبیرات مختلفی دیده می‌شود که وجود چنین امری را تأیید می‌کند. در نهج‌البلاغه آمده است:

«الْعَيْنُ حَقٌّ وَالرُّؤْيَى حَقٌّ» (۴):

«چشم‌زخم حق است و توسل به دعا برای دفع آن نیز حق است».

این حالت، ناشی از نوعی حسد است و انسان حسود وقتی چیزی را



وجدان، در صف ستمگران خواهند بود.

#### ۱۵. چشم خیانت‌کار

قرآن مجید برخی از چشم‌ها را خیانت‌کار معرفی می‌کند و آگاهی از آنها را در انحصار علم خدا می‌داند و می‌فرماید: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»<sup>(۳)</sup>:

«خداوند به خیانت چشم‌ها و اندیشه‌های نهانی دلهای مردم، آگاه است.»

اگرچه هر عضوی از بدن انسان را خیانتی است چه در عیان و چه در نهان، ولی جز چشم؛ هیچ‌یک از اعضا به عنوان عضو خائن معرفی نشده است؛ زیرا اولاً نگاه چشم سری‌تر، نفوذش سریع‌تر و فرجامش از سایر اعضا خطرناک‌تر است؛ ثانیاً چشم در خیانت خود نیاز به مباشرت ندارد و از راه دور هم می‌تواند از دیدن صحنه‌ای لذت ببرد؛ ثالثاً چشم، منشأ خیانت سایر اعضا یا دست‌کم یاری‌بخش آنهاست، ولی سایر اعضا چنین نیستند.

نوری دارند که راه خدا را بیمایند و نه از نور خدایی، بهره‌مند هستند. آنها در تیرگی‌ها به سر می‌برند و اگر هم نوری برای روشن کردن راه خود فراهم کنند، خداوند آن را فوراً خاموش می‌کند و آنها همواره متحیر و سرگردان در تیرگی‌ها رها هستند: «... وَ تَوَكَّلْهُمْ فِی ظُلُمَاتٍ لَا يَأْتِيهِمُ النُّورُ»<sup>(۱)</sup>. این‌گونه افراد هم از نوری که راه را فرا رویشان روشن می‌کند محروم هستند و هم از دیده‌بینا.

#### ۱۴. چشم حقارت

این نوع چشم، مخصوص افراد لجوج و مستکبر است که همه چیز را در مال و ثروت می‌بینند و به افراد صالح و مؤمن و مستضعف در جامعه با دیده‌حقارت نگاه می‌کنند و عامه مردم را جزو اراذل و اوباش می‌پندارند:

«... وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا...»<sup>(۲)</sup>:

«من هرگز درباره این افراد که در چشم شما حقیرند نمی‌گویم که خداوند هیچ خیر و پاداش نیکی به آنها نخواهد داد.»

صاحبان این نوع چشم که معتقدند افراد صالح، لایق هیچ‌گونه پاداش و مزدی نیستند، در پیش خداوند و

۱. بقره، آیه ۱۷. ۲. هود، آیه ۳۱.

۳. مؤمن (غافر)، آیه ۱۹.

ستمگران از شدت ترس، گردن‌های خود را برافراشته و به سوی آسمان بلند کرده و حتی پلک‌هایشان بی حرکت می‌ماند و گویی چشمانشان می‌خواهد از حدقه بیرون بیاید و آنچنان وحشتی سراسر وجودشان را فرامی‌گیرد که چشمانشان از حرکت می‌ایستد و خیره‌خیره به آن صحنه نگاه می‌کنند:

«... إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ  
الْأَبْصَارُ \* مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤُسِهِمْ  
لَا يَرْتَدُّ أَلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ...»

(ابراهیم، آیات ۴۳ و ۴۲).

«خداوند کیفر آنان (ظالمان) را به تأخیر می‌اندازد تا آن روزی که چشم‌ها خیره و حیران می‌شود. در آن روز سخت، ستمکاران، هراسان سر به طرف بالا می‌برند و چشم‌ها بی حرکت و دل‌هایشان مضطرب خواهد بود.»

۱۶. چشم ناتوان

چشمی است که در پی جستجوی خلل و نقصان در نظام عالم بزرگ است. وی می‌خواهد با پیدا کردن نقص و کاستی، مجموعه جهان هستی را زیر سؤال ببرد، اما از دیدن نقص در عالم هستی درمانده می‌شود و ناکام می‌ماند:

«ثُمَّ أَزْجِعَ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ  
الْبَصَرُ خَائِسًا وَهُوَ حَسِيرٌ»:

(ملک، آیه ۴).

«بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام، چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان، ناکام مانده) به سوی تو باز می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان است.»

۱۷. چشم خیره و بی حرکت

حالتی است که در محشر به کافران و گناه کاران دست می‌دهد. مجازات‌های آن روز آن قدر وحشتناک است که این